

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث از آیه 23 از سوره عنکبوت «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئْسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» دارای دو قسمت است:

1). «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ»، کسانی که به آیات خدا و لقاء خدا کفر ورزیدند.

2). «أُولَئِكَ يَئْسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» اینها کسانی هستند که از رحمت من مأیوس شدند و اینها گرفتار عذاب اَلیم و دردناک هستند.

مراد از آیات خدا در قسمت اول آیه شریفه

«آیات خدا» یعنی هر چه که عنوان آیه الهی را دارد.

کلام علامه طباطبایی

ایشان می‌فرمایند: «و المراد بآيات الله - على ما يفيد إطلاق اللفظ - جميع الأدلة الدالة على الوحدانية و النبوة و المعاد» همه‌ی ادله‌ای که دلالت بر توحید، نبوت و معاد دارد. «من الآيات الكونية و المعجزات النبوية و منها القرآن» و یکی از آیات خدا، قرآن کریم است.

در مجمع البیان هم می‌فرماید: «كفروا بآيات الله أى جحدوا بالقرآن و بأدلة الله»^[1]، عمدتاً «آیات الله» را به مسئله‌ی قرآن معنا کرده اند.

اگر گفته می‌شود «آیات الله» یعنی همین آیات خدا که «قرآن» باشد پس در این صورت «آیات الله» منحصر به قرآن می‌شود. اما اگر «آیات» جمع «آیه» گرفته شود و «آیه» هم به معنای «دلیل» می‌باشد پس «بآیات الله» یعنی «بأدلة الله» که یکی از ادله‌ی خدا، قرآن است.

عطف خاص بر عام بودن «ولقائه» در آیه شریفه از دیدگاه علامه طباطبایی

ایشان در ادامه می‌فرمایند: «فالكفر بآيات الله يشمل بعمومه الكفر بالمعاد فذكر الكفر باللقاء و هو المعاد بعد الكفر بالآيات من ذكر الخاص بعد العام»^[2] چون در آیه آمده «و الذين كفروا بآيات الله و لقاءه»، در اینجا «آیات» به معنای «ادله» است یعنی هر چه که دلیل بر خدا است و این معنای عام دارد لذا کفر به «آیات الله» شامل کفر به «معاد» نیز می‌شود، در نتیجه کلمه‌ی «لقاء» یعنی «کفروا بلقاءه» از قبیل عطف خاص بر عام خواهد بود.

حالا این «خاص» چه خصوصیتی دارد که خدای تبارک و تعالی این را مطرح می‌کند؟ می‌فرماید: «و الوجه فيه الإشارة إلى أهمية الإيمان بالمعاد» از باب این است که ایمان به معاد بسیار مهم است.

نقد بر کلام علامه طباطبائی و احتمالات موجود در کلمه‌ای «آیات الله»

اگر «آیه» عَلم برای کلام خدا باشد پس «آیات الله» خصوص قرآن می‌شود، مثل آن آیاتی که بر خود آیات قرآن دلالت دارد نظیر آیه شریفه که می‌فرماید: وقتی آیات قرآن خواند می‌شود «وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ»^[3]، طبق این بیان، «والذين كفروا بآيات الله» خصوص قرآن می‌شود و کفر به «آیات الله» این است که منکر شوند که این آیات از ناحیه خدا باشد و نتیجه این می‌شود کسانی که قرآن را منکر هستند، لقاء خدا را هم منکر می‌شوند.

اما اگر گفته شود «آیات» جمع «آیه» است و «آیه» به معنای دلیل است پس «والذين كفروا بآيات الله» یعنی ادله‌ی خدا و این ادله‌ی خدا، ظهور در ادله‌ای دارد که اصل وجود خدا، توحید خدا و اوصاف خدا را ثابت می‌کند، «آیات الله» یعنی نشانه‌ی اصل وجود خدا و وحدانیت خدا است که در این صورت شامل نبوت و معاد نمی‌شود در نتیجه جمله «ولقاءه» عنوان عطف خاص بر عام را پیدا نمی‌کند.

لذا شیخ طوسی در تبیان «آیات الله» را به «ادلة الله» معنا می‌کند و مسئله‌ی قرآن را بیان نمی‌کند.^[4] اما صاحب مجمع البیان می‌گوید: «جحدوا بالقرآن و بأدلة الله» و ایشان شاید خواسته بین این دو احتمال مذکور جمع کند.

پس اینکه مرحوم طباطبائی می‌فرمایند: این «آیات» اطلاق دارد، «جميع الأدلة الدالة على الوحدانية و النبوة و المعاد من الآيات الكونية» اشکال این است که نبوت و معاد از کجا استفاده می‌شود؟

به بیان دیگر ایشان می‌فرمایند: «آیات» معنای عامی دارد، شامل ادله‌ی بر وحدانیت، توحید، معاد، معجزات نبوی و قرآن می‌شود. در نتیجه «لقاء» عطف خاص بر عام می‌شود. بعد می‌گویند «من الآيات الكونية و المعجزات النبوية و منها القرآن».

این فرمایش ایشان خلاف ظاهر است، زیرا بین «آیه» و «معجزه» فرق وجود دارد، معجزه دلیل بر این است که این شخص «نبی» است و از طرف خدا آمده، اما به معجزه «آیات الله» گفته نمی‌شود. «آیات الله» یعنی آنچه را که مستقیماً خدا را اثبات می‌کند و این عالم که کشف از خداوند تبارک و تعالی می‌کند دلیل بر خدا شمرده می‌شود، در نتیجه هر چه انسان می‌بیند آیه خدا است.

لذا «نظم عالم»، «سما»، «زمین» و «موجودات»، هیچ کدام دلیل بر نبوت نمی‌شود، اینها همه «آیه خدا» هستند نه آیه نبوت، در این هنگام به چه دلیلی «آیات الله» شامل نبوت و معاد گردد.

پس بین «آیه بر خدا» و «آیه بر نبوت» فرق وجود دارد، مثلاً: «نظم عالم» را آیا می‌توان دلیل بر نبوت قرار داد؟ «نظم عالم» دلیل بر خداوند تبارک و تعالی است اما دلیل بر نبوت نیست یا گردش «شب و روز» و «اختلاف الليل و النهار»^[5] دلیل بر خدا

است، ولی دلیل بر نبوت نیست.

پس در قسمت اول آیه شریفه، دو کفر را خداوند بیان می‌کند:

(الف). کفر به «خدا»، منتهی کفر به وجود خدا از راه کفر به «آیات خدا» است یعنی ادله‌ی داله بر وجود خدا را قبول ندارند.

(ب). کفر به «لقاء خدا» یعنی انکار معاد.

دیگر بحث نبوت اصلاً مطرح نیست مگر اینکه گفته شود «آیات الله» شامل قرآن نیز می‌شود که در این صورت قسم اول، شامل کفر به خدا و نبوت هم خواهد شد و قسم دوم فقط دلالت بر کفر به قیامت و لقاء می‌نماید.

پس بعید است که «لقاء» عطف خاص بر عام گردد؛ چون اگر «آیه» در «و الذین کفروا بآیات الله» به معنای آیات موجود در قرآن گرفته شود، یعنی «والذین کفروا بالقرآن»، در این صورت هیچ تناسبی با آیات قبل پیدا نمی‌کند،

نکته: متعلق کفر اگر قرآن باشد در این صورت نتیجه آن انکار نبوت است یعنی ممکن است خدا را قبول داشته باشند مثل کفار در صدر اسلام که خدا را قبول داشتند ولی قرآن و نبوت را منکر بودند.

و اگر گفته شود «آیه» به معنای لغوی است و «آیات» جمع «آیه»، به معنای «دلیل» است یعنی «والذین کفروا بآیات الله»، کسانی که به ادله‌ای که دال بر وجود خدا کافر شدند، بعد خداوند تبارک و تعالی می‌فرمایند: «و لقاءه» یعنی «کفروا لقاءه» پس خداوند متعال دو تا موضوع را در صدر آیه بیان می‌کند و طبق این احتمال نیز عطف خاص بر عام نمی‌شود در نتیجه طبق هر دو احتمال در معنای آیه، عطف خاص بر عام نشد تا مدعای مرحوم علامه ثابت شود.

در قرآن مسلماً «آیات الله» در مواردی درخود قرآن استعمال شده «وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا»^[6]، بعید هم نیست مرحوم طبرسی در مجمع البیان که قرآن را هم اضافه کرده به همین خاطر بوده باشد.

بررسی قسمت دوم آیه شریفه «اولئك یئسوا من رحمتی و اولئك لهم عذاب أليم»

نسبت به ذیل آیه شریفه دو احتمال وجود دارد:

(1). این مجموع و ذیل آیه، برای آن مجموع و صدر آیه است، یعنی کسانی که کفر به خدا و معاد دارند هم مأیوس از رحمت خدا هستند و هم گرفتار عذاب الیم‌اند که این مجموع ذیل، برای مجموع صدر است.

(2). این ذیل آیه شریفه مثل لف و نشر مرتب است، «اولئك یئسوا من رحمتی» مربوط به آنهایی هستند که «کفروا بآیات الله» و «اولئك لهم عذاب الیم» مربوط به آنهایی است که «کفروا بقاء الله».

غرض از تکرار کلمه‌ای «اولئك» در آیه شریفه از دیدگاه علامه طباطبائی

بحث دیگری که مطرح است اینکه چرا در آیه شریفه دو تا «اولئك» آمده؟

مرحوم علامه طباطبائی می‌فرمایند: آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ» خطاب مصروف إلى النبی (ص)، یعنی تا آیه پیشین «يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ» می‌فرمود همه مقول قول «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» در آیه 20 است به این بیان: «قُلْ يَعْذِبُ مَنْ يَشَاءُ»، «قُلْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ»، اما این آیه شریفه مورد بحث، دیگر نمی‌توان گفت: «قُلْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ» این مقول قول نیست، این دیگر خطابی است که خداوند تبارک و تعالی به خود نبی (صلی الله علیه وآله) دارد.

و مقصود از این آیه این است که «وَالْمَطْلُوبُ فِيهِ أَنْ يَنْبُئَهُ (ص) صَرِيحُ الْحَقِّ فَيَمْنُ يَشْقَى وَيَهْلِكُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» خداوند تبارک و تعالی به پیامبر خبر می‌دهد که کسی که بدبخت و هلاک می‌شود این چنین است. «فَإِنَّهُمْ أَهْلُ ذَلِكَ فِي قَوْلِهِ أَوَّلًا «يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ» وَ يَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ» در حقیقت می‌فرمایند: این آیه، تفصیل آیه «يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ» است، این یعذب چطوری است؟ یعذب به این است که اینها مأیوس از رحمت الهی‌اند و اینها گرفتار عذاب الیم هستند، پس در آن آیه مبهم گذاشته شده اما در این آیه به این نحو به پیامبر مطرح می‌کند.

بعد می‌فرماید: «و من الدلیل علیه الخطاب فی «أُولَئِكَ» مرتین و لو كان من كلام النبی ص لقل: «أُولَئِكَ»^[1] دلیل ما بر اینکه می‌گوئیم این مقول قول کلام پیامبر نیست، (خدا نمی‌فرماید به اینها بگو «قُلْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ» بلکه این خطاب را به خود پیامبر می‌کند یعنی با پیامبر مستقیم صحبت می‌کند، و يك خبری را به پیامبر می‌دهد که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي») این است که: «أُولَئِكَ» را دو بار تکرار کرده و تکرار قرینه است بر اینکه این آیه شریفه مقول قول کلام پیامبر نیست، در غیر این صورت اگر مقول قول بود خدا به پیامبر می‌فرمود «قُلْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَ لَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ».

نقد بر دیدگاه علامه طباطبائی

اولاً: اگر این مقول قول هم باشد فرق نمی‌کند «أُولَئِكَ» گفته شود یا «أُولَئِكَ» را تکرار نماید یعنی اگر خدا به پیامبر می‌فرمود «قُلْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَ لَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ» اشکالی داشت؟ ثانیاً: هیچ ملازمه‌ای ندارد بر اینکه تکرار کلمه‌ای «أُولَئِكَ» قرینه است بر اینکه حتماً مقول قول کلام رسول خدا نیست.

البته اصل فرمایش (که این «خطاب مصروفٌ إلى النبی»، یعنی خدا يك خبری را به پیامبر می‌دهد، به پیامبر نمی‌گوید که تو برو به مردم اینطوری بگو، بلکه يك خبری را دارد به پیامبر می‌دهد) درست است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 8، 438.

[2] «و المراد بآيات الله - على ما يفيد إطلاَق اللفظ - جميع الأدلة الدالة على الوحدانية و النبوة و المعاد من الآيات الكونية و المعجزات النبوية و منها القرآن فالكفر بآيات الله يشمل بعمومه الكفر بالمعاد فذكر الكفر باللقاء و هو المعاد بعد الكفر بالآيات من ذكر الخاص بعد العام و الوجه فيه الإشارة إلى أهمية الإيمان بالمعاد إذ مع إنكار المعاد يلغو أمر الدين الحق من أصله و هو ظاهر» الميزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص: 119.

[3] «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» انفال، 2.

[4] «ثم قال تعالى (وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ) أي جحدوا أدلة الله و لقاء ثوابه و عقابه يوم القيامة»، النبیان فی تفسیر القرآن، ج 8، 199.

[5] □ «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ». آل عمران، 190.

[6] □ «وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيِ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًا». مريم، 73.

[7] □ قوله تعالى: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» خطاب مصروف إلى النبي

ص خارج من مقول القول السابق «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» إلخ و المطلوب فيه أن ينبئه (ص) صريح الحق فيمن يشقى و يهلك

يوم القيامة فإنه أبهم ذلك في قوله أولاً: «يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ» و من الدليل عليه الخطاب في «أُولَئِكَ» مرتين و لو

كان من كلام النبي ص لقبل: أولئك». الميزان في تفسير القرآن، ج16، ص: 119.